

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پرابهات پاتنایک  
فرستنده: عثمان حیدری  
۲۹ مارچ ۲۰۱۹

## کالبدشکافی مداخله امپریالیستی



آنچه که امروز در ونزوئلا می‌گذرد یک درس عینی پیرامون ماهیت مداخله امپریالیسم در جهان سوم در عصر نولیبرالیسم به دست می‌دهد. امپریالیسم اخیراً در امتداد خطوط مشابه در دیگر کشورهای امریکای لاتین- به طور برجسته در برزیل- مداخله کرده است؛ اما ونزوئلا، دقیقاً به دلیل مقاومت سختی که نشان می‌دهد تکنیک‌های امپریالیسم را عریان‌تر می‌نمایاند.

از زمانی نچندان دور، چرخش به چپ در امریکای لاتین، نه فقط در کوبا، بولیوی و ونزوئلا، بلکه در برزیل، ارجنتاین، اکوادور و چندین کشور دیگر که در آن‌ها رژیم‌های چپ-مرکز به قدرت رسیدند و سیاست‌های بازتوزیعی را به سود کارگران فقیر در پیش

گرفتند، منبع الهام برای نیروهای ترقی‌خواه سراسر جهان بوده است. امروز، بسیاری از این رژیم‌ها، نه به این علت که برنامه‌ها و سیاست‌های آن‌ها حمایت مردمی را از دست داده، بلکه از طریق توطئه‌های خبیثانه‌ای که ایالات متحده در آن‌ها نقش اصلی را بازی کرده است، سرنگون شده‌اند. علیه آن‌ها کودتاهای نوع جدید، متفاوت با کودتاهایی که ایالات متحده در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ به راه می‌انداخت، کودتاهای مختص عصر نولیبرالیسم، صورت گرفته است.

دو عامل مهم در این سرنگونی نقش داشته‌اند. نخست، سقوط شرایط مبادله کالاهای اولیه در پی بحران جهانی سرمایه‌داری. کشورهای امریکای لاتین، از جمله حتا برزیل، عمدتاً صادرکننده مواد خام بوده‌اند، و شرایط نامساعد حرکت بازرگانی موجب کاهش درآمد ارز خارجی آن‌ها برای واردات کالاهای اساسی‌شان شده است. در مورد

ونزوئلا، کاهش قیمت‌های نفت این نقش را بازی کرد؛ به علاوه، کاهش قیمت‌های نفت درآمدهای دولت را نیز کاهش داد.

تلاش دولت، رویاروی با کاهش درآمدهای ارز خارجی برای حفظ مزایای بازتوزیعی که فقراء از آن برخوردارند، به جای در پیش گرفتن اقدامات «ریاضتی» یعنی چیزی که آژانس‌های امپریالیستی می‌خواهند، موجب جهش تورم شده است.

تردیدی نیست که این شرایط دشواری‌هایی برای فقراء به وجود آورده است. اما شخص باید توجه کند که این دشواری‌ها نه به علت سیاست‌ها، بلکه به علت سقوط شرایط مبادله کالاهای اولیه بوده است. در واقع، در صورت اجرای سیاست «ریاضتی» وضع فقراء در رویارویی با این دشواری‌ها به مراتب بدتر از زمان عدم اجرای سیاست «ریاضتی» می‌بود.

دشواری‌های اقتصادی برای ونزوئلا به علت تحریم‌های تحمیل شده از سوی ایالات متحده که مانع می‌شود حتماً کالاهای اساسی مانند داروهای جان‌بخش آزادانه وارد شوند، بی‌نهایت وخیم‌تر شده است. و ایالات متحده به تازگی جنگ اقتصادی خود را علیه ونزوئلا با مسدود نمودن دارایی‌های شرکت نفت دولتی ونزوئلا در ایالات متحده، و اعلام این‌که همه درآمدهای حاصل از صادرات نفت ونزوئلا را نه به رژیم به طور دمکراتیک انتخاب شده و طبق قانون اساسی مشروع رئیس‌جمهور نیکولاس مادورو، بلکه به رژیم خوان گوایدو که با پشتیبانی ایالات متحده بسادگی خود را رئیس‌جمهور اعلام کرده خواهد داد، تشدید کرده است. این عملاً به معنای سرقت پول خود ونزوئلا برای به راه انداختن کودتا در ونزوئلا است، پدیده‌ای که یادآور دوره استعماری است، زمانی که مردم مستعمرات برای تأمین مالی فتوحات استعماری غارت می‌شدند.

نیاز به گفتن نیست که این غارت، و تحریم‌ها رنج مردم ونزوئلا را تشدید نموده، و سپس برای شوراندن مردم علیه دولت مادورو خود همین رنج به گردن آن انداخته می‌شود.

دومین عنصری که در بازی سرنگون کردن اخیر سهم دارد این فاکت است که ایالات متحده اکنون تدریجاً خود را از درگیری مستقیم در خاورمیانه کنار می‌کشد، بدون این‌که در آنجا از هدف‌های امپریالیستی خود دست برداشته باشد. و این اکنون به ایالات متحده امکان می‌دهد بیشتر بر امریکای لاتین تمرکز نماید.

اقدامات کودتائی اخیر ایالات متحده، که ونزوئلا یک مورد کلاسیک آن است، با کودتاهای امریکائی دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حداقل از شش راه آشکار متفاوت است، و بر روی هم یک الگوی جدید را تشکیل می‌دهد.

**نخست** این‌که کودتاهای قدیمی، چه در ایران یا گواتمالا، یا چیلی، در حالی که علیه دولت‌هایی که به طور دمکراتیک انتخاب شده بودند، بی‌شرمانه رژیم‌های خودکامه مورد حمایت ایالات متحده را به جای آن‌ها سر کار می‌آوردند، کودتاهای کنونی نیز گرچه علیه دولت‌های به طور دمکراتیک انتخاب شده هدایت می‌شوند، اما به نام دمکراسی انجام می‌شوند. در برزیل، بولسونارو به مثابه یک رئیس‌جمهور به طور دمکراتیک انتخاب شده ظاهر می‌شود، اما در آنجا نه فقط یک «کودتای پارلمانی» علیه دیلما روسف صورت گرفت، بلکه به مردمی‌ترین رهبر سیاسی در کشور، یعنی لولا رئیس‌جمهور پیشین از حزب کارگران، اجازه داده نشد در انتخابات ریاست جمهوری نامزد شود.

همین‌طور در ونزوئلا، خوان گوایدو، مدعی مورد حمایت ایالات متحده رئیس مجلس ملی است و نه یک نظامی قلدر. به دیگر سخن، نیروهای سیاسی که نظام استثماری برتری‌طلب سفید را نمایندگی می‌کردند، به وسیله ایالات متحده در مبارزه علیه رژیم‌های ترقی‌خواه در امریکای لاتین به طور گسترده بسیج می‌شوند.

همراه با این پدیده اعتراضات خیابانی گسترده و تظاهرات سازمان یافته از سوی نیروهای مورد حمایت ایالات متحده وجود دارد که گرچه علیه دولت‌های قانونی به طور دمکراتیک انتخاب شده به صف شده اند، اما ادعا می‌نمایند که از دمکراسی دفاع می‌کنند. به طور خلاصه، کودتاهای ضدانقلابی، به جای این‌که مانند موارد پیشین صرفاً کودتاهای نظامی باشند، یک کاراکتر توده‌ئی کسب نموده اند.

**دوم،** این خیزش‌های توده‌ئی ضدانقلابی از دشواری‌های اقتصادی که مردم با آن روبه‌رو هستند تغذیه می‌کنند، گرچه دولت‌های ترقی‌خواه مسؤول این دشواری‌ها نیستند و گرچه اکثر این دشواری‌ها از طریق فعالیت‌های حساب‌شده خود امپریالیسم ایالات متحده به وجود آمده اند. کودتاهای دوره پیشین نه کاراکتر توده‌ئی داشتند، نه در پی اشاعه دشواری‌های اقتصادی اجراء می‌شدند، و نه حتا به خود زحمت می‌دادند با اشاره به آن دشواری‌ها خود را توجیه نمایند. درست است که دولت دکتر "چدی چاکان" در گویان با به راه افتادن اعتصاب کامیونداران برخوردار از کمک مالی امپریالیسم سرنگون شد، اما چیزی که در گذشته به ندرت به کار گرفته می‌شد اکنون عادی است.

**سوم،** دشواری‌های اقتصادی، گرچه علاوه بر عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، عمدتاً به وسیله خود امپریالیسم آفریده شده اند، اما تقصیر آن‌ها نه فقط بر دوش دولت‌های ترقی‌خواه، بلکه بسیار آشکارتر بر دوش سیاست‌های چپ‌گرایانه آن‌ها انداخته می‌شود. دشواری‌های اقتصادی را به ملی کردن منابع معدنی، به مداخله دولت در اقتصاد، به مواضع مخالف سیاست سرمایه‌داری، و غیره نسبت می‌دهند. به طور خلاصه، تبلیغات برای کودتا یک حمله ایدئولوژیک علیه هرگونه مداخله در عملکرد نظام نولیبرالی را در برمی‌گیرد. این حمله ایدئولوژیک ضرورتاً مبهم است، به مفاهیمی مانند «فساد»، «بی‌کفایتی» متوسل می‌شود؛ اما قرار است این مفاهیم با مداخله دولت در نظام نولیبرالی مترادف باشند.

**چهارم،** به همین طریق، کودتا آشکارا برنامه‌ای را مطرح می‌نماید که در پی استقرار دوباره نظام نولیبرالی هوادار شرکت‌هاست. به عنوان مثال، یک برنامه برای «گذار دمکراتیک» در ونزوئلا چیزی را مطرح کرده که کودتا می‌خواهد، از جمله:

- الف- فعال ساختن دوباره سازمان تولید (با دسترسی به پول صندوق بین‌المللی پول)؛
- ب- از میان برداشتن همه کنترل‌ها، مقررات و «موانع بوروکراتیک»، و اقدامات تنبیهی؛
- پ- سرمایه‌گذاری بین‌المللی در چارچوب نظارتی که اعتماد و حمایت مؤثر از مالکیت خصوصی به وجود آورد؛
- ت- باز کردن بنگاه‌های عمومی به روی سرمایه‌گذاری خصوصی؛
- ث- تصویب قانون نفت و گاز جدید که به سرمایه خصوصی اجازه دهد در طرح‌های نفتی حداکثر سهام را داشته باشد؛
- ج- واگذاری مسؤولیت فعالیت‌های خدمت‌رسانی به بخش خصوصی؛
- چ- کارائی در جهت کوچک‌سازی دولت.

این یک برنامه بی‌شرمانه نولیبرالی است؛ با این حال، برنامه کودتا را تشکیل می‌دهد.

چنین پیام روشنی مبنی بر این که دولت به طور دمکراتیک انتخاب شده باید در جهت پیش بردن برنامه سرمایه بزرگ سرنگون گردد، پیش از این هرگز چنین صریح نبوده است.

**پنجم،** کودتاهای کنونی گرچه ممکن است تحت نفوذ ایالات متحده باشند، اما بر اساس پشتیبانی همه قدرت‌های امپریالیستی قرار دارند. ترمپ از اتحادیه اروپائی خواست دولت خوان گوايدوی متظاهر را به مثابه دولت مشروع ونزوئلا به رسمیت بشناسد، و آن‌ها انجام وظیفه نمودند. این هم از نشانه‌های زمان و هم از نشانه‌های دو فاکت است، یک، این‌که خود ایالات متحده قدرت پیشین را ندارد و دیگر این‌که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که رقابت‌های درون

امپریالیستی خاموشند و حتا زمانی که ایالات متحده دست به یک اقدام امپریالیستی می‌زند همکاری دیگران را لازم دارد.

**و آخر** این‌که، مورد ونزوئلا اهمیت نقشی را نشان می‌دهد که رسانه‌ها اکنون در نرم ساختن مردم برای پذیرش این بازی می‌کنند که یک اقدام امپریالیستی علیه یک دولت انتخاب شده در جهان سوم دفاع از دموکراسی است. روزنامه‌هایی مانند نیویورک تایمز این خط را پیش برده اند.

به طور خلاصه، ما اکنون در جهان جدیدی زندگی می‌کنیم که در آن برابر شمردن منافع سرمایه بزرگ با دموکراسی به یک اصل پذیرفته‌شده مبدل می‌شود. مردم ونزوئلا تاکنون در برابر کودتای مورد حمایت ایالات متحده استوار ایستاده اند؛ اما به این دلیل ایالات متحده اکنون آن‌ها را به مداخله مسلحانه تهدید می‌نماید. اگر مداخله مسلحانه صورت پذیرد، در سال‌های اخیر نخستین اقدام مسلحانه علیه یک کشور مستقل خواهد بود که نه با دست‌آویز هر قدر سست تهدید امنیتی نسبت به ایالات متحده یا لطمه زدن به منافع ایالات متحده، بلکه صرفاً به خاطر این که جرأت کرده یک رژیم نولیبرالی را کنار بگذارد، اتفاق می‌افتد.

---

[https://peoplesdemocracy.in/2019/0224\\_pd/anatomy-imperialist-intervention](https://peoplesdemocracy.in/2019/0224_pd/anatomy-imperialist-intervention)

منبع: دموکراسی مردم

تارنگاشت عدالت